

نظام تولید از دیدگاه آیت الله جوادی آملی^۱

چکیده: قرآن کریم تفاوت استعدادها را زمینه‌ی آزمون و وسیله‌ی توزیع عادلانه‌ی کارهای اجتماعی و تسخیر متقابل افراد جامعه می‌داند از این رو برخورداری برخی از اشخاص از مواهب الهی فقط برای آزمون آنهاست، نه تکریم واجدان و تحقیر فاقدان است. از این رو مال مایه قوام و حیات بخش جامعه است، نباید آن را در اختیار سفيهان قرارداد و از دیدگاه اسلام انسانی که مال را از راه رشوه یا ربا و بدون تولید صحیح و کسب حلال، به دست می‌آورد و نیز کسی که مال را از راه صحیح فراهم می‌کند ولی در مصرف اسراف و اتراف دارد، هر دو سفيه هستند. و نباید مال را در اختیار گروه خاصی قرارداد زیرا اگر ثروت جامعه در گرو گروه معین قرار گیرد، دیگران قدرت قیام نخواهند داشت.

کسب عزت و زیاد شدن عقل، فضیلت و محبوبیت کارد در نزد خدا، رفع نیاز بشر از عواملی است که موجب شده اسلام سفارش به تولید کند و هدف از تولید حفظ عزت و بی‌نیازی از فرومایگان، گسترش رفاه معقول و عزتمندانه برای خانواده، تکریم خویشاوندان و همسایگان، انفاق در راه خدا و رفع نیازهای فردی و اجتماعی است. و حرفه‌های مورد تأیید اسلام کشاورزی، دامداری، تجارت، صنعت است. در اسلام کسب حلال واجب شده و از حرام آن باید پرهیز کرد.

کلید واژه: نظام تولید، جوادی آملی.

مقدمه:

روح توحیدی با رفاه طلبی، اخلاق دینی با خوش گذرانی، قناعت پیشگی با زیاده خواهی و تعبد و طاعت الهی با غفلت و طغیانگری هیچ هماهنگی و سازشی ندارند.

^۱. سهیلا مرادی، سطح ۳ حوزه رشته فقه و اصول، مجتمع الزهراء، شماره تماس ۰۹۳۷۰۳۲۶۵۲۱، آدرس ایمیل،

morad1366@chmail.ir

از این رو تعالیم آسمانی اسلام تأکید دارد که مسلمانان روح توحیدی خود را حفظ کنند و به سمت طغوا کشیده نشوند، زیرا آتش طغیان، روح ایمان را می سوزاند. هرگاه زیاده طلبی در جامعه رایج گردد و فضای آن در این باره جهت دهی شود، تمهیدات سقوط جامعه فراهم می شود و خداوند عذابش را بر آن قوم نازل می کند: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (سبأ، ۳۴) کفر به دستورهای پیامبران الهی نتیجه زیاده خواهی و طغیانگری جامعه است و اثر کفر مردم، فساد و انحراف جامعه است که در نهایت به هلاکت آنان پایان می پذیرد. «وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَرْنَاهَا تَدْمِيرًا» (اسراء، ۱۶) هرگاه بخواهیم «مردم» شهری را به هلاکت رسانیم افراد مترف و خوشگذران را در ضمن دستور به طاعت از نعمت ها بر خوردار می نماییم و آنها به جای اطاعت تمرد و فسق می کنند و در نتیجه آن شهر سزاوار عذاب می گردد. آن گاه یکسره آن را زیرو رو می گردانیم. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۳۹۱)

نظم در جهان هستی اقتضا می کند که هر پدیده ای در مسیر طبیعی خود به هدف برسد و پیامد کوچک ترین بی نظمی اختلال در رسیدن به هدف خواهد بود. اسراف و تبذیر خروج از حد طبیعی است و گرفتاران آن، از مسیر تکامل و پیشرفت بازمانده و به هلاکت و سقوط نزدیک می شوند، از این رو اسراف و تبذیر هر دو از معاصی کبیره و از مظاهر فساد به شمار می آیند. و خداوند تهدید می کند که قوم اسرافکار را به هلاکت می افکند: «ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَّشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ» (انبیاء، ۹) چون تبذیر شیطنت است و مبذران برادران شیطان اند: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (اسراء، ۲۷) و کفر به پروردگار بازدهی ای جز سقوط ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، صص ۳۹۱-۳۹۰)

از آنجا که در نظام اقتصادی اگر سرمایه داران اموال خود را در تولید به کار نگیرند و یا در صد اسراف و تبذیر کردن اموال خود باشند به گونه ای که مسایل شرعی و اخلاقی را در تولیدات رعایت نکنند زمینه سقوط جامعه فراهم می شود بر آن شدیم که به بررسی نظام تولید از دیدگاه جوادی آملی (دام ظلّه العالی) بپردازیم.

دیدگاه قرآن نسبت به انتفاع از نعمت ها

ادب معاشرت حقوقی در جامعه‌ی انسانی از نظر قرآن کریم بر اساس قسط متساوی و عدل متقابل است. در عین امر به داد، از تحمّل بیداد نهی می‌کند، و در متن نهی از ظلم، نهی از ستم‌پذیری مطرح است.

قرآن کریم تأکید دارد که بدون تجهیز کامل و آمادگی نهایی، اجرای عدل شدنی نیست، از این رو برای تحقق دستورهای قسط و عدل، قایم بودن افراد متعهد بس نیست، بلکه باید قوّام باشد، «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ» (مائده، آیه ۸) و «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ» (نساء، ۱۳۵)

برخی دیگر از آیات که در قبال امر به عدل از ظلم نهی می‌کند، ستم‌پذیری را مانند ستمگری مذموم می‌شمارد «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره، ۲۷۹) (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۲)

قرآن کریم تفاوت استعدادها را زمینه‌ی آزمون و وسیله‌ی توزیع عادلانه‌ی کارهای اجتماعی و تسخیر متقابل افراد جامعه می‌داند. و هر گونه تحقیر و هتک حیثیت یا بهره‌وری رایگان و انتفاع یک‌جانبه را ناروا می‌شمارد، «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (انعام، ۱۶۵) «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُلَخِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (زخرف، ۳۲) پس برخورداری برخی از اشخاص از مواهب الهی فقط برای آزمون آنهاست، نه تکریم واجدان و تحقیر فاقدان، و هدف، تقسیم عادلانه و وظیفه اجتماعی است و آیه‌ی «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ» (حجرات، ۱۱)

، مانع هر گونه تحقیر و فخر فروشی ناروا شده، حفظ احترام متقابل را بر همگان لازم می‌داند تا در پرتو تأمین کرامت همه‌ی افراد متدین و متعهد، زمینه‌ی پیدایش مدینه‌ی فاضله فراهم گردد. حسن معاشرت هر شهروند در مدینه فاضله برابر مسئولیت اوست، از این رو وظیفه‌ی مسئولان جامعه در این باره بیش از دیگران است، چنانکه به موسی کلیم و هارون (علیهما السلام) دستور رسید که با

گفتار نرم تبلیغ دین را بیاغازید «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه، ۴۴)

گرچه سرانجام، فرعون با سوء اختیار خود به کام دریا فرو رفت و پیروان متعصب او نیز غرق شدند، «فَغَشَّيْهُمْ مِنَ اللَّيْلِ مَا غَشَّيْهُمْ» (طه، ۷۸) همچنین به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمان مهربانی و تواضع در برخورد و نرمش در رفتار داده شده «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء، ۲۱۵) دستور مشورت که ضمن تکریم آرای دیگران، وسیله‌ی خوبی برای وحدت جامعه و جذب نیروهای کارآمد و ایجاد هماهنگی میان صاحب نظران و پختگی تصمیم نهایی است، در جهت رسیدن به همین اهداف است، چنان که سیره‌ی حضرت ختمی رسالت (صلی الله علیه و آله) بنابر توصیه خدای سبحان، فروتنی و مهربانی بود. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران، آیه ۱۵۹) گرچه موضعگیری قاطعانه‌ی آن حضرت در برابر طاغیان و اعلام انزجار آن رهبر الهی از تبه‌کاران، سنت فراموش نشدنی اسلام است. «فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ» (شعراء، آیه ۲۱۶)

از رسالت‌های اساسی قرآن در بهبود بخشی به ادب معاشرت، بنیان‌گذاری جامعه‌ی برین و متمدن راستین، و دستور حسن ظن به چنین اجتماعی است، در جامعه‌ی تباه، وظیفه‌ی همگانی خوش‌گمانی نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۲، صص ۱۴۴ و ۱۴۳).

باعنائیت به دیدگاه آیت الله جوادی آملی براینکه برخورداری اشخاص از مواهب الهی فقط برای آزمون آنهاست، نه تکریم واجدان و تحقیر فاقدان، و هدف، تقسیم عادلانه وظیفه اجتماعی است بر آن شدید که ویژگی نظام تولید را از دیدگاه ایشان بررسی نماییم

جریان داشتن اموال در میان مردم

قرآن عظمت اقتصاد و تأثیر مال را در جامعه مشخص کرده و مال را به منزله‌ی ستون فقرات جامعه‌ی انسانی و سبب قیام مردم می‌داند و فرد یا گروهی که فاقد مال هستند، از آن جهت فقیرند که ستون فقرات اقتصادی آنها شکسته و توان قیام را از دست داده‌اند؛ زیرا فقیر به معنای مهره کمر شکسته و قدرت ایستادن و ایستادگی را از دست داده است و چون مال به منزله‌ی خون در عروق جامعه و ستون فقرات ملت محسوب می‌گردد، نباید آن را در اختیار سفیه و بی‌خرد قرارداد که مبادا در آن

مصرفانه یا مترفانه تصرف کند و عامل قیام امت را به هدر دهد، بیان قرآن مجید در باره سه مطلب اخیر چنین است: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا» (اموالی که خدا قوام زندگانی شما را به آن مقرر داشته سفیهان را به تصرف مدهید) (نساء، آیه ۵) از این رو این آیه مال را به عموم جامعه نسبت می دهد و از قرار دادن در اختیار سفیه مانند کودک یا نابالغ بی خرد نهی فرموده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۴۹).

برخی با داشتن اموال و سرمایه از عقل کافی ورشد فکری برخوردار نیستند. همین آیه ۵ نساء سفارش می کند که اموال را به دست آنان ندهید، بلکه فرد بالغ و عاقلی سرپرستی اموالشان را برعهده گیرد.

سفاهت، سبک مغزی و خفت عقل را گویند که در ابعاد مختلف ظهور و بروز می یابد، بنابراین نمی توان آن را در امور اقتصادی محدود کرد، پس واژه سفیه، معنای عامی دارد، چنانکه از امام صادق (علیه السلام) درباره سفیه سؤال شد و حضرت فرمود: مَنْ لَا تَثِقُ بِهِ (حر عاملی، ۱۴۱۴ ه ق، ج ۱۹، ص ۳۹۶) سفیه کسی است که مورد اعتماد نباشد، پس اموال عمومی در جامعه اسلامی نباید در دست افراد غیر معتمد قرار گیرد.

غرض آنکه هرکس واجد دو عنصر محوری تخصص علمی و تعهد دینی نیست، نباید مسئولیت کارهای کلیدی جامعه را بپذیرد، چنانکه دیگران نیز نباید کار مهمی به او واگذارند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، صص ۲۳۴-۲۳۳)

معیار عقل و سفاهت، اطاعت از خداوند و تخلف از فرمان خداست؛ مطیع فرمان خدا، نیکو سرشت و عاقل است و مخالف فرمان خدا، سفیه است. قرآن از یک سو می فرماید: مال را به دست سفیهان ندهید و از سوی دیگر، معیار سفاهت افراد در این آیه مشخص کرد: «وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ» «هیچ کس از آئین پاک ابراهیم روی نگرداند به جز ناکس و مردم بی خرد» (بقره، ۱۳۰) تبه کاران و اهل اسراف و اتراف همگی سفیه هستند.

دیدگاه اسلام درباره کسب

الف : واجب بودن کسب حلال

اشتغال و کسب از عوامل مادی تولید ثروت است و در اسلام کسب حلال واجب شده و از حرام آن باید پرهیز کرد. (همان، ص ۵۸۱)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید : کسب حلال بر هر مرد وزن مسلمانی واجب است ، (شعیری، ۱۳۶۳، ص ۱۳۹) و همچنین می فرماید : عبادت ده جز دارد که نه جز آن در کسب حلال است (همان، ص ۱۳۹) و نیز می فرماید : کسی که در راه کسب روزی حلال برای خانواده اش بکوشد مانند مجاهد در راه خداست (قمی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۶۸)

امام صادق (سلام الله علیه) می فرماید : می خواهم خدا مرا در حالی ببیند که روزم را در پی کسب حلال به سر می برم . آیا نشنیده ای سخن خدا را که فرموده است : هرگاه نماز به فرجام خود رسید در زمین پراکنده شوید و از فضل و احسان خدا بجویید «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (جمعه، آیه ۱۰) (ابن فهد الحلّی، ۱۴۰۷، ص ۹۱)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید : خردمند رانشايد که جز به سه کار اشتغال ورزد : اصلاح امور معاش یا گام برداشتن برای آخرت یا لذت بردن از کارهای که حرام نیست. (حرانی، ۱۴۰۴، ق ۱، ص ۱)

ب: پاک ترین کسب ها

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید : بهترین کسب ها ، کسب دست کارگر است ؛ اگر درست و خیرخواهانه باشد (سیوطی، ۱۴۰۱، ق ۱، ج ۱، ص ۶۲۱) ؛ نیز می فرماید : پاکیزه ترین مالی که انسان صرف می کند ، آن است که از دسترنج خودش باشد. (طبرسی، ۱۴۰۸، ق ۱، ج ۱۳، ص ۹) و نیز می فرماید : بهترین درآمدها سود حاصل از معامله نیکو و پاک است. (سیوطی، ۱۴۰۱، ق ۱، ج ۱، ص ۱۷۰)

ج: درآمدهای حرام

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می فرماید: هولناک ترین رخدادی که پس از خودم درباره اتمم از آن می هراسم درآمدهای حرام و رباخواری است. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۲۴)

همچنین می فرماید: بدترین کسب، رباخواری است. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۸۲)

امیر مؤمنان (سلام الله علیه) می فرماید: درآمدهایی که از راه مردار فروشی، سگ فروشی، روسپیگری، رشوه گیری در داوری و غیبت گویی [کفایت ورمالی] به دست می آیند، حرام اند. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۷۰)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: زن آوازه خوان و کسی که از درآمد آن بهره برد ملعون اند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۲۰)

امام صادق (سلام الله علیه) می فرماید: صنعتی که تنها برای حرام کاربرد دارد و رهاوردش تباهی محض است و هیچ صلاحی (فایده ای) در آن نیست خدا آن را حرام کرده است [مانند: ابزار سخت افزاری و نرم افزاری لهو و لعب، بت سازی، تولید نوشابه های حرام و هر چیزی که موجب تباهی محض افراد و جامعه است]

پس آموختن و آموزش دادن آن، عمل به آن، گرفتن مزد برای آن و هرگونه اقدامی برای آن، همه اش حرام است، مگر اینکه صنعتی باشد که گاهی در جهت منفعت حلال به کار می رود و از آن جهت که در آن صلاحی وجود دارد یاد گرفتنش و عمل به آن حلال است؛ ولی برای کسی که آن را در جهت حرام و غیر حق به کار گیرد حرام است. (حرانی، ۱۴۰۴، ق، صص ۳۳۶-۳۳۵)

د: درآمدهای ناپسند

امام صادق (سلام الله علیه) می فرماید: خرید مال که از راه دزدی یا خیانت به دست آمده، چنانکه معلوم باشد جایز نیست. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۲۲۸)

امام کاظم (سلام الله علیه) می فرماید: مردی نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! این پسر مرا نوشتن آموختم. اکنون او را به چه کاری بگمارم؟ فرمود: او را به کفن فروشی، زرگری، قصابی، گندم فروشی و برده فروشی مگمار. (قمی، ۱۴۱۳ق ج ۳، ص ۱۵۸)

نکته: ظاهراً دلیل نهی از این شغل ها آن است که فروشندگان این کالاها منتظر گران شدن آن ها و دریافت سود بیشتریند. در حالی که برخی از این کالاها غذای روزانه مردم است و بعضی از آن ها نیز بر اثر ظریف و دقیق بودن یا مایه تجمل ناروا شدن، رعایت آداب شرعی خرید و فروش آنها دشوار خواهد بود. البته نهی در این گونه موارد تنزیهی و مفید کراهت است نه تحریمی. (آیت الله جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۵۹۳)

نتیجه:

از دیدگاه قرآن کریم برخورداری اشخاص از مواهب الهی فقط برای آزمون آنهاست، نه تکریم واجدان و تحقیر فاقدان، و حفظ احترام متقابل بر همگان لازم است تا در پرتو تأمین کرامت همه ی افراد متدین و متعهد، زمینه ی پیدایش مدینه ی فاضله فراهم گردد. در اسلام کسب حلال واجب شده و از حرام آن باید پرهیز کرد. از این رو توسعه اقتصادی به معنای افزایش سرمایه، براساس خودمحموری و تکاثر، مذموم و راه شیطان است، اما توسعه اقتصادی و داشتن کارخانجات و مزرعه و امکانات مادی به منظور رفع نیازمندان، محبوب و مطلوب دین است آنچه در نظام دین سالاری معتبر است، آن است که همگان راه برای درآمد کافی و مشروع داشته باشد، گرچه در اثر اختلاف استعدادها درآمدها مساوی نیست، ولی عادلانه خواهد بود و اسراف یا اتراف در صرف و حبس و اکتناز و احتکار و... به دلیل زیانبار بودن آن حرام است. مشاغل مورد تأیید اسلام کشاورزی، دامداری، تجارت و صنعت است.

وهدف از تولید حفظ عزّت و بی نیازی از فرومایگان ، گسترش رفاه معقول و عزتمندانه برای خانواده ، تکریم خویشاوندان و همسایگان ، انفاق در راه خدا و رفع نیازهای فردی و اجتماعی است.

فهرست منابع

۱. جوادی آملی ، عبد الله ، (۱۳۷۸) ، بیان مرصوص امام خمینی (ره) (چاپ دوم) ، قم: مرکز نشر اسراء
۲. ، (۱۳۸۰) ، انتظار بشر از دین (چاپ اول) ، قم: مرکز نشر اسراء.
۳. ، (۱۳۸۲) ، تفسیر موضوعی قرآن کریم هدایت در قرآن (چاپ اول) ، قم: مرکز نشر اسراء.
۴. ، (۱۳۸۸) ، اسلام و محیط زیست (چاپ چهارم) ، قم: مرکز نشر اسراء.
۵. ، (۱۳۹۲) ، مفاتیح الحیاء (صد و هشتم) ، قم: مرکز نشر اسراء.
۶. ، (۱۳۸۷) ، تفسیر موضوعی قرآن کریم جامعه در قرآن (چاپ اول) ، قم: مرکز نشر اسراء.
۷. ، (۱۳۸۸) ، اسلام و محیط زیست (چاپ چهارم) ، قم: مرکز نشر اسراء.
۸. حر عاملی ، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ه . ق) ، وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه (چاپ دوم) ، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث .
۹. الحلّی ، احمد بن محمد ابن فهد ، (۱۴۰۷ ق) ، عدّة الداعی ونجاح الساعی (چاپ اول) ، تصحیح احمد موحّدی قمی ، قم: دارالکتاب الاسلامی
۱۰. حرّانی ، حسن بن علی ابن شعبه (۱۴۰۴ ق) ، تحف العقول عن آل الرسول (چاپ دوم) ، تصحیح علی اکبر غفاری ، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی

۱۱. سیوطی ، عبدالرحمان بن ابی بکر جلال الدین ، (۱۴۰۱ق)، الجامع الصغير فى احاديث البشير النذير (چاپ یکم)، بیروت: دارالکفر
۱۲. شعیری ، محمد بن محمد بن حیدر ، (۱۳۶۳)، جامع الاخبار (چاپ دوم)، قم: شریف رضى.
۱۳. طبرسى، میرزا حسین ، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل (چاپ یکم)، قم: مؤسسه آل البيت.
۱۴. طبرسى ، احمد بن على بن ابی طالب (۱۴۰۳ ق)، الاحتجاج على اهل اللجاج (چاپ یکم)، تحقیق سید محمد باقر موسوی الخراسان، مشهد: نشر مرتضى.
۱۵. طوسی ، محمد بن الحسن، (۱۳۶۵ق)، تهذیب الاحکام (چاپ چهارم) ، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه .
۱۶. قمی ، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق) معروف به شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه (چاپ سوم)، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: موسسه انتشارات اسلامی .
۱۷.، (بی تا)، علل الشرایع (بی چاپ)، قم: مکتبه الداوری .
۱۸.، (۱۴۰۳)، خصال (چاپ دوم) ، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۱۹. قمی ، علی بن ابراهیم بن هاشم (۱۳۶۷ش)، تفسیر القمی (چاپ چهارم) ، تحقیق: السید طیب الموسوی الجزائري ، قم: دارالکتاب .
۲۰. کلینی ، محمد بن یعقوب الرازی (۱۳۶۵)، الکافی (چاپ چهارم)، تهران: دارالکتب الاسلامیه .
۲۱. مجلسی ، محمد (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الثمة الاطهار، بیروت: مؤسسه الوفاء